

حجاب به مثابه کنشی اجتماعی، از سویی تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنش گران اجتماعی. در سال‌های پس از انقلاب، به دلیل آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، یکی از معضلات مهم کشور کم‌رنگ شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب بوده است. هر مسئله عمومی علل مختلفی دارد؛ به نظر می‌رسد یکی از علل مهم در ایجاد، تداوم و همچنین عدم حل مسئله، می‌تواند خط‌مشی و عملکرد مسئولان آن جامعه باشد. در مسئله بدحجابی نیز در کنار علل مختلفی که وجود دارد یکی از ضعف‌های اصلی در سطح خط‌مشی‌گذاران و مجریان و در مرحله تحقق خط‌مشی‌هاست. با بررسی‌ها مشخص شد که مهم‌ترین عامل مشکل‌ساز در این سطح، «اختلاف نظر خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی» است. هدف اصلی این پژوهش «شناخت و دسته‌بندی ذهنیت‌های خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی در ایران» است. برای نیل به این هدف از «روش‌شناسی کیو» استفاده شد؛ جامعه آماری شامل خط‌مشی‌گذاران و مجریان در عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی بود. به ۲۶ نفر از این مسئولان مراجعه و در نهایت با «تحلیل عاملی»، پنج گونه ذهنیتی حاصل گردید که با عناوین «اجراگرایان»، «خط‌مشی‌گرایان»، «نگرش‌گرایان»، «عامه‌گرایان» و «متحیران» نامگذاری شدند.

■ واژگان کلیدی:

ذهنیت، بدحجابی، خط‌مشی‌گذاران، مدیران دولتی، روش‌شناسی کیو

## گونه‌شناسی ذهنیت‌های خط‌مشی‌گذاران

### و مجریان درباره مدیریت مواجهه با

### بدحجابی در ایران

#### پژوهشی مبتنی بر روش‌شناسی کیو\*

سیدمجتبی امامی (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

smemami@gmail.com

مصباح‌الهدی باقری‌کنی

استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

mesbab@yahoo.com

سجاد لطفی

عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

s.lotfi66@gmail.com

## بیان مسئله

رعایت پوشش و حجاب برای زنان از ضروریات اسلام است و هیچ‌یک از پیروان مذاهب اسلامی در ضرورت آن تردیدی ندارند و هیچ عالم اسلامی نیز ترک آن را جایز نمی‌داند؛ زیرا دستور صریح قرآن است و هیچ توجیه و تأویلی در آن راه ندارد. (ورعی، ۱۳۸۷: ۱۰۴) بحث حجاب در اسلام باید در یک چارچوب مفهومی سه‌گانه شامل «حیا»، «عفاف» و «حجاب» فهم شود. (رهبر، ۱۳۹۰: ۵۰ و غلامی، ۱۳۹۱: ۲۹) به‌طور خاص در قرآن «پنج» آیه به «حجاب» و «پوشش» اختصاص داده شده است. البته اگر مفاهیم «حیا» و «عفاف» نیز در نظر گرفته شود، بالغ بر «ده» آیه است. (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۲-۲۹) شهید مطهری با بهره‌گیری از آیات فوق و فتوای فقها، معنای پوشش زن در اسلام را تبیین می‌نماید؛ اینکه زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را پوشانده و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۷۳) همچنین معنای بدحجابی عبارت است از «رعایت نکردن پوشش مقرر در شرع مقدس در جنبه کیفی و کمی». (رفیعی، ۱۳۸۷) البته گفتنی است که عفاف و حجاب منحصر در زنان نیست (قرآن کریم، سوره نور: آیه ۳۱)، اما با توجه به مباحث مطروح در این مقاله، بیشتر موضوع حجاب زنان است. با اینکه در خصوص مسئولیت و اختیارات حکومت اسلامی در عرصه حجاب، دیدگاه‌های فقهی - حقوقی متفاوتی وجود دارد، اما می‌توان گفت که بر روی مسئولیت حکومت، اجماع نسبی وجود دارد. (علی‌اکبریان، ۱۳۸۷؛ مرتضوی، ۱۳۸۷؛ ورعی، ۱۳۸۷؛ همایون مصباح، ۱۳۸۷؛ ضیایی‌فر، ۱۳۸۷؛ رفیعی، ۱۳۸۷ و مشکات، ۱۳۸۷) با توجه به وجود اختلافات در زمینه مداخله حکومت در عرصه فرهنگ (داوری، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۴۶) پیش‌فرض مقاله حاضر بر لزوم مداخله حکومت در عرصه فرهنگ است.

نحوه مواجهه دولت و حکومت با حجاب در ایران دارای پیشینه تاریخی پرتلاطمی است. در ایران قبل از اسلام، حجاب و پوشش جایگاه خاص خود را داشته است و معمولاً زنان دربار نیز از پوشیدگی بیشتری برخوردار بوده‌اند و حجاب و پوشش برای‌شان یک ارزش بوده است. با ورود اسلام به ایران، فرهنگ حجاب اسلامی نیز وارد ایران شد که از حجاب دوران قبل از اسلام نیز ساده‌تر بود. این پوشیدگی در فرهنگ ایرانی - اسلامی ایرانیان در قرون مختلف خلفای اسلامی و پس از آن وجود داشته است تا دوران قاجار، که شرایط فرهنگی پوشش در ایران با سفرهای شاه قاجار به فرنگ و اعزام

عده‌ای از دانشجویان برای تحصیل به اروپا، تغییر می‌کند. این تغییر با کودتای ۱۲۹۹ و سپس سرکار آمدن رضاخان و حاکمیت غرب‌زده در ایران، که عامل عقب‌ماندگی را اسلام و فرهنگ سنتی ایرانی می‌دانست و پیشرفت را در شبیه‌شدن بی‌چون و چرا به اروپایی‌ها می‌دید، سرعت و شتاب بیشتری گرفت. در این دوران شاهد حملات بی‌سابقه و تندی علیه مقدسات اسلامی از جمله حجاب زنان و شبیه‌پراکنی علیه آن و فعالیت‌های فرهنگی در بدنه مسئولان و مردم در راستای حجاب‌زدایی و کشف حجاب رسمی در سال ۱۳۱۴ هستیم. این روند در دوران سلطنت محمدرضا، نه با خشونت رضاخانی، بلکه با یک تهاجم نرم ادامه پیدا می‌کند. سیاست حجاب‌زدایی که تأثیر خود را خصوصاً در شهرهای بزرگ تا حدودی گذاشته بود، با انقلاب اسلامی دچار شکست شدیدی شد و تضاد ایجادشده میان طرفداران و مروّجان آن با زنان مسلمان محجبه انقلابی، به نفع زنان محجبه به اتمام رسید. پس از پیروزی انقلاب و خصوصاً در اواخر بهمن و اسفندماه سال ۵۷، زنان غیرمحجبه اقدام به برپایی تظاهرات علیه حجاب و الزام آن از سوی دولت شدند و از طرف مقابل نیز مخالفت‌هایی ابراز شد. به هر صورت با برگزاری referendum ۱۰ و ۱۱ فرورین ۱۳۵۸ و رأی «آری» مردم به جمهوری اسلامی و اتفاقات پس از آن، این اعتراضات خاتمه یافت. در دوران دفاع مقدس و به‌خاطر فضای خاص حاکم بر آن دوران، حجاب و پوشش مورد اقبال و رعایت عامه زنان قرار داشت و جز موارد خاص و معدودی، مطلب خاصی دال بر انحراف از حجاب و پوشش در این دوره قابل رصد نیست؛ هر چند فعالیت رسانه‌ای بیگانه و گروه‌های فمینیستی به‌صورت مداوم ادامه داشت و سعی وافری در تخریب چهره زن محجبه ایرانی و اصل حجاب صورت پذیرفت که به‌دلیل همبستگی دینی و ملی جبهه و پشت جبهه و پاسداری زنان از خون و آرمان پدران، همسران، برادران و فرزندان رزمنده و شهیدشان به نتیجه خاصی منجر نشد. پس از پایان جنگ تحمیلی با روی کار آمدن دولت موسوم به سازندگی، رویکرد بازسازی خرابی‌های جنگ و نوسازی البته با مدل اقتصاد آزاد، سبب تغییر در نظام ارزشی جامعه و مادی‌گرایی در ارکان آن شد و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی رایج گردید که بروز آن در بحث پوشش و حجاب، زوال ارزش‌های حاکم در دوره دفاع مقدس و تغییرات جدی در کمّ و کیف حجاب اعم از نوع و میزان آن گردید. در ادامه و با ظهور دولت بعدی موسوم به اصلاحات، شعارهایی

همچون آزادی و جامعه مدنی با معانی متفاوت و حتی متضاد سبب شد که سرعت تغییرات بیشتر گردد و ابتدا شهرهای بزرگ و سپس شهرهای کوچک‌تر، تحت تأثیر این شعارها قرار گیرد و حجاب اسلامی و عفاف بدون وجود یک الگوی واحد و تعریف مشخص، توسط افراد مختلف به صورت‌های متفاوت و متضاد معنی شود و سیر نزولی آن سرعت بیشتری گیرد که پس از روی کار آمدن دولت بعدی در سال ۱۳۸۴ نیز تغییر خاصی در روند آن قابل مشاهده نبود؛ خصوصاً آنکه رئیس این دولت اعتقادی به طرح‌های مرتبط با بحث حجاب و عفاف نداشت و تلقی خاص خویش از مباحث فرهنگی از جمله حجاب و عفاف را صواب و دقیق می‌دانست. (غلامی، ۱۳۹۱: ۶۳-۵۹) اکنون پس از گذشت ۳۷ سال از وقوع انقلاب اسلامی، شاهد یک مسئله عمومی با عنوان بدحجابی و وضع بد پوشش هم در زنان و هم مردان در تهران و شهرهای مخلف کشور هستیم. (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۷: ۵۵۲؛ مختاریان پور و گنجعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۸ و شمس ناتری، ۱۳۸۷: ۵۹۷)

پیرامون علل بدحجابی، غلامی در کتاب خود با دید نسبتاً جامعی، عللی را برای بدحجابی در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی برشمرد و هر یک را نیز در سه ساحت شناخت، گرایش و رفتار بررسی نموده است (خلاصه شده در نمودار ۱). (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۷۳) در این نمودار، آخرین علت در حوزه اجتماعی و در ساحت رفتار، «کوتاهی دولت» است. فارغ از تنوع و پیچیدگی سایر علل بدحجابی، پژوهش حاضر با دغدغه متفاوتی آغاز شد: حکومت در مواجهه با بدحجابی چه کرده است؟ آیا تدابیر، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های حکومت مؤثر بوده است؟ چرا به نظر می‌رسد کوشش‌های حکومت، آن تأثیری را که از آن انتظار می‌رفته، نداشته است؟



در جمهوری اسلامی «مداخله» حکومت اشکال مختلفی داشته است. در عرصه حقوقی و قانونی، حدود «صد» مصوبه از جمله «قانون ساماندهی مد و لباس» و «آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» در این زمینه وجود دارد. (مؤسسه بین‌المللی فرهنگ عفاف و حیا، بی‌تا) در عرصه اجرا نیز «طرح امنیت اخلاقی» و «برگزاری نمایشگاه‌های مد و لباس» از نمونه‌های بارز مواجهه با بدحجابی بوده است. (رهبر، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۲ و ۱۰۹) بررسی قوانین، مقررات و برنامه‌ها روشن می‌کند این تلقی که حکومت در مواجهه با بدحجابی قدمی بر نداشته است، کاملاً منتفی است. به‌عنوان نمونه یکی از مهم‌ترین مصوبات در حوزه عفاف و حجاب، مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی موسوم به «آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۸۴ است. در این مصوبه وظایفی بر عهده ۲۶ نهاد کشور اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌های فرهنگی، شهرداری‌ها و نهادهای نظامی - امنیتی گذاشته شده است. این مصوبه را می‌توان کامل‌ترین خط‌مشی در حوزه راهکارهای مدیریت مواجهه با بدحجابی برشمرد.

مسئله است که طرح و تصویب این میزان از قوانین - بدون اجرای صحیح آنها - کافی نیست و ما باید شاهد اثر واقعی این قوانین در کشور باشیم. متأسفانه نوع عملکرد دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار و مجری در این زمینه به‌گونه‌ای بوده است که برخی صاحب‌نظران موافق حجاب نیز اظهار داشته‌اند که رفتارهای حکومت اسلامی در «مدیریت پوشش زنان» در سالیان گذشته، چندان موفق نبوده است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۵۲؛ هادیان رسنانی، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۷ و ۱۸۶؛ حق‌شناس، ۱۳۸۷: ۲۱۶؛ حاج‌عبدالباقی، ۱۳۸۷: ۴۵۹-۴۵۳؛ مفتاح، ۱۳۸۷؛ هاشمی، ۱۳۸۶؛ شمس‌ناتری، ۱۳۸۷؛ حوراء، ۱۳۸۵: ۲۴-۴ و لطفی، ۱۳۹۲) مواردی مانند معطل ماندن حجم بالایی از قوانین و مصوبات و عدم اجرا یا عدم اجرای صحیح آنها، انتقادات شدید دستگاه‌ها و فعالان مختلف این عرصه به یکدیگر، عملکردهای متعارض و با آثار متعارض توسط دستگاه‌های مختلف، این فرضیه را برای پژوهشگر به‌وجود آورد که حکومت، تدبیر و مواجهه درستی با بدحجابی نداشته و ندارد. در این راستا پرسش و دغدغه‌ای طرح می‌شود که باید به آن پاسخ داد: به چه دلیل این حجم بالای قوانین و مقررات و برنامه‌ها، تأثیر قابل قبولی در بهبود وضع حجاب و عفاف نداشته است؟

برای پاسخ به این دغدغه، مجموعه‌ای از مطالعات و مصاحبه‌های اکتشافی شامل

موارد زیر صورت گرفت:

- مصاحبه‌هایی با برخی اعضای ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی وزارت کشور<sup>۱</sup>

- مصاحبه‌هایی با برخی اعضای دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی<sup>۲</sup>

- بررسی برنامه رادیویی «سهم شما»<sup>۳</sup>

در نتیجه فعالیت‌های انجام‌شده، حدس قوی اولیه‌ای شکل گرفت و آن «عدم همگرایی بین خط‌مشی‌گذاران و مجریان این عرصه در مدیریت و اجرا» بود. لذا هفته‌ها بر روی این مسئله فکر و اندیشه شد که چگونه می‌توان به بررسی دیدگاه‌های متفاوت مسئولان در عرصه حجاب و عفاف پرداخت. به تدریج در جمع‌بندی‌ها این سؤال طرح شد که «مسئولان خط‌مشی‌گذار و مجری در نهادهای مرتبط چگونه می‌اندیشند و فکر می‌کنند که به این‌گونه عملکرد چه در مرحله تدوین سیاست و چه در مرحله اجرای سیاست می‌رسند؟»

بنابر موارد پیش‌گفته یکی از مهم‌ترین کارهایی که برای بهبود شرایط عفاف و حجاب در سطح تدبیر حکومت، باید انجام می‌شد «شناخت و دسته‌بندی ذهنیت‌های خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه عفاف و حجاب» بود. پس پرسش اصلی این پژوهش طرح شد: «چند گونه ذهنیت درباره مدیریت مواجهه با بدحجابی بین خط‌مشی‌گذاران و مجریان ایران وجود دارد؟» و نتیجه این پژوهش، شناخت و دسته‌بندی ذهنیت‌های افرادی بود که اثرگذاری قابل توجهی در حوزه نظری و اجرایی سیاست‌های فرهنگی کشور دارند. در مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی تحت عنوان «آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به قانون عفاف و حجاب - از ۲۶ دستگاه به‌عنوان دستگاه‌های مشارکت‌کننده مؤثر در عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی نام برده شده است؛ دسته‌ای از آنان، خط‌مشی‌گذار و دسته‌ای دیگر، مجری‌اند. انتخاب مسئولان مورد نظر در مراحل مختلف این پژوهش نیز برگرفته از این مصوبه است. لذا از

۱. این ستاد از سال ۱۳۸۷ تاکنون مسئولیت اجرا و نظارت بر مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی (قانون عفاف و حجاب) را بر عهده دارد.

۲. این نهاد، قبل از سال ۱۳۸۷ مسئولیت اجرا و نظارت بر مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی (قانون عفاف و حجاب) را بر عهده داشت.

۳. این برنامه در فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۰ در ۴۰ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای از رادیو معارف صدا و سیما پخش شده و به بررسی عملکرد دستگاه‌های مشمول قانون حجاب و عفاف (مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی) پرداخته است.

این طریق می‌توان به دلایل عدم تحقق بسیاری از خط‌مشی‌های حوزه حجاب و عفاف و متعاقباً راه‌حل آنها پی برد.

### پیشینه پژوهش

در خصوص مسائل مربوط به حجاب، مقالات و کتب بسیاری به‌انجام رسیده است؛ (پژوهشگر در حدود ۲۵۰ عدد مقاله و ۳۰ عدد کتاب در این حوزه یافته و مورد بررسی قرار داده است).

۱. در خصوص مباحث حکومتی حجاب، به مواردی مانند الزام حکومت اسلامی به حجاب، دخالت حکومت در تعیین نوع پوشش امت اسلامی و مواردی مثل فردی و اجتماعی بودن حجاب پرداخته شده (ایازی، ۱۳۸۷ و مهدی‌زادگان، ۱۳۸۶) و نیز ادله فقهی برای این الزام ارائه شده است. (ایازی، ۱۳۸۷ و مقدس، ۱۳۸۹)

۲. محققان این عرصه درباره علل بدحجابی و انواع مواجهه با آن دلایلی ارائه کرده‌اند (شرف‌الدین، ۱۳۸۶ و علی‌اکبریان، ۱۳۸۷) و به ارائه راهکارهایی در راستای نهاده‌ساز حجاب در جامعه مبادرت ورزیده‌اند. (ذوالفقاری، ۱۳۸۵؛ زاهدی و دیگران، ۱۳۸۹؛ صدر، ۱۳۸۳ و قلی‌پور، ۱۳۸۶)

۳. پژوهشگران زیادی با رویکرد فقهی - حقوقی به نقد و بررسی قوانینی که در مواجهه با بدحجابی وجود دارد پرداخته‌اند. (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶؛ غلامی، ۱۳۹۱؛ ناظریان، ۱۳۹۰ و هاشمی، ۱۳۸۶)

پژوهشگرانی معدود نیز به مباحث خط‌مشی‌گذاری عفاف و حجاب پرداخته‌اند. گاه به نهاده‌سازی آن در جامعه اشاره داشته‌اند (مختاریان‌پور و گنجعلی، ۱۳۹۰) و گاه موانع ساختاری خط‌مشی‌ها و اجرای خط‌مشی‌ها را مدنظر قرار داده‌اند. (باقری میاب و باقری، ۱۳۹۱)

تا به حال روش‌شناسی کیو در حوزه‌های متعددی از جامعه‌شناسی گرفته تا مدیریت و... مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از موارد نزدیک به پژوهش حاضر، پژوهشی است که خوشگویان‌فرد و همکاران (۱۳۸۸) در رابطه با نگرش بانوان ورزشکار نسبت به حجاب انجام داده است.

در میان پژوهش‌های پیشین همان‌گونه که مشاهده شد، پژوهشی با موضوع پژوهش حاضر انجام نشده است.



### مبانی نظری پژوهش

طبق تعریف اندرسون<sup>۱</sup>، «خط‌مشی عمومی، مجموعه‌های از اقدامات نسبتاً ثابت و پایدار و هدفمند دولت، به‌قصد حل یک معضل یا دغدغه عمومی جامعه» تعریف می‌شود. (اندرسون، ۲۰۱۱: ۷) در این تعریف بر ارتباط بین اقدام دولت و ادراک (واقعی یا غیرواقعی) وجود یک مشکل یا موضوعی که مستلزم نوعی اقدام است، تأکید شده است. (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۰) ذهنیت‌ها که گاه برای آن مترادف‌هایی چون «باور» و «عقیده» به کار برده می‌شود، در امر خط‌مشی‌گذاری بسیار مؤثر و حائز اهمیت است؛ تا جایی که برخی صاحب‌نظران دانش خط‌مشی معتقدند: «نظام‌های اعتقادی، خط‌مشی‌ها را تعیین می‌کنند». چگونگی توصیف خط‌مشی عمومی از سوی تحلیلگران و تأکید آنها بر جنبه‌های خاص به چارچوب‌های مرجع آنها بستگی دارد، که این خود به علایق، ایدئولوژی‌ها و تجارب تحلیلگران وابسته است. (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۱)

مشکل تبیین‌های مادی درباره اینکه چرا دولت‌ها به مسائل اجتماعی خاصی توجه دارند، در دهه ۱۹۸۰ به پیدایش مجموعه مطالعات دیگری انجامید که در آنها تأثیر اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی بر نوع مسائل موردنظر دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. مدت‌های طولانی این فرض غالب بود که اندیشه افراد در بلندمدت بر تصمیمات آنها اثرات مهمی به‌جا می‌گذارد. اگرچه اقتصاددانان، روان‌شناسان یا دیگران تلاش کرده‌اند تأثیر این مجموعه اندیشه را در حد محاسبات عقلانی نفع شخصی محدود سازند، ولی روشن است که سنت‌ها، عقاید و نگرش‌های افراد در مورد جهان و جامعه بر نحوه تفسیر افراد از منافع آنها تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، این اندیشه‌ها یا ایدئولوژی‌ها ظاهراً تأثیر عمده‌ای بر خط‌مشی‌های عمومی داشته‌اند و افراد از طریق این منشورهای ایدئولوژیک، مسائل اجتماعی یا سایر مسائل را درک می‌کنند و انتظار خود را از فعالیت دولت شکل می‌دهند. (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۷۵) محتوای دستور سیاسی یا خط‌مشی عمومی، دستوری است که از خلال تاریخ، سنت‌ها، نگرش‌ها و عقاید مردم بیرون می‌آید و در لفافی از اصطلاحات گفتمان سیاسی گنجانده و رمزگذاری می‌شود. (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۷۷) چنین برداشتی از نقش اندیشه‌ها در فرآیند شناسایی مسائل اجتماعی، دانشمندان خط‌مشی را از تحلیل تجربی اوضاع و واقعیت‌ها به‌سوی ابداع و ترویج دانش اجتماعی و ملاحظات فرااثبات‌گرایی کشانده است. به هر حال، عوامل صرفاً «ذهنی»

1. Anderson

(یا نفس‌گرایی)<sup>۱</sup> تحلیل‌های گفتمانی، اغلب تحلیل‌گران را واداشته تا با درک ضرورت دخالت دادن عوامل نهادی در تحلیل‌ها، مواضع خود را تعدیل کنند. بدین معنی که اغلب اندیشمندان خط‌مشی دیگر مایل نیستند همه نتایج مطالعات نخستین خود را که بر اوضاع سیاسی و اقتصادی متمرکز بود، به‌طور کامل کنار بگذارند، بلکه به این نتیجه رسیده‌اند که نظریه خط‌مشی باید تعامل پیچیده اندیشه‌ها و شرایط مادی را در فرایند خط‌مشی‌گذاری به‌حساب آورد. (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۱۷۸)

در آثار بسیاری از اندیشمندان رشته خط‌مشی اشاره شده که یکی از مهم‌ترین بخش‌های این حوزه، باورها و ذهنیت سیاست‌گذاران است (ریپبرگر<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۴ و سورل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) که در مدل‌های مختلفی به این مهم پرداخته شده است. (سورل، ۲۰۰۰) (برای مثال؛ هال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ ساباتییه و جن‌کینز - اسمیت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳ و ساباتییه، ۱۹۹۸) همچنین هاجر<sup>۶</sup> معتقد است اینکه موقعیت موجود را مسئله‌ای سیاستی قلمداد کنیم یا نه، به این بستگی دارد که آن را از منظر چه ذهنیتی ببینیم. (هاجر، ۱۹۹۳)

یکی از مسائل عرصه خط‌مشی عمومی، وجود اختلافات بین خط‌مشی‌گذاران است؛ صاحب‌نظران رویکردهای مختلفی در تبیین علت این اختلافات ارائه کرده‌اند. از جمله «شان»<sup>۷</sup> و «رین»<sup>۸</sup> رویکرد ساختار ذهنی را پیشنهاد می‌کنند، به این مفهوم که اختلافات به دلیل اختلاف‌نظرهای موجود میان ساختار شخصیت‌های اصلی به‌وجود می‌آیند. این ساختارها به‌عنوان ساخت زیرین عقیده، تا حد زیادی منافع شخصیت‌های اصلی را تعریف کرده و جایگاه‌های سیاستی آنها و حتی درک آنها از مشکلات سیاستی را تعیین می‌کنند. بنابراین وجود دو ذهنیت می‌تواند منجر به دو درک متفاوت از مشکلات سیاستی و منافع سیاستی شود که به‌نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد اختلافات بادوامی شود. به‌عبارت دیگر، یک اختلاف سیاستی، شرایطی است که دو گروه و یا بیشتر در خصوص تعریف یک موقعیت سیاستی مشکل‌آفرین با یکدیگر مخالفت کرده و برای کنترل فرایند سیاست‌گذاری با هم رقابت می‌کنند. اینها ساختارهایی هستند که توسط افرادی شکل گرفته که تصمیم

1. Solipsistic
2. Ripberger
3. Surel
4. Hall
5. Sabatier & Jenkins-Smith
6. Hajer
7. Schon
8. Rein

می‌گیرند آنچه می‌بینند به‌عنوان منافع آنها باشد و بنابراین آنچه را که مانع منافع می‌بینند به‌عنوان یک اختلاف می‌شناسند. (شان و رین، ۱۹۹۴)

رین و شان ادعا می‌کنند که اتخاذ مواضع مختلف در سیاست‌گذاری مبتنی بر ذهنیت‌هایی است که نگاه‌های مختلفی به مسئله و به‌طور کلی جهان ارائه می‌دهند. جدال و ستیزه در یک سیستم، طبیعی خواهد بود اگر گروه‌های مختلف و سیاست‌گذاران، یعنی متخصصانی که در زمینه‌های مختلف کار می‌کنند، دارای ذهنیت‌های متفاوتی باشند که عناصر و واقعیت‌ها را به‌صورت متفاوت ببینند و تفاسیر متنوعی از آنها ارائه کنند و در نهایت سلسله اقدامات متفاوتی در مورد اینکه چه کاری انجام گیرد، به‌وسیله چه کسانی و چگونه، ارائه کنند (شان و رین، ۱۹۹۳)

اهمیت این الگوهای ذهنی کم‌کم برای سیاست‌گذاران مسجل می‌شود، چرا که گزارش‌های مختلفی (میلستون<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸) بر اهمیت آشکارسازی آن ذهنیت‌ها و جلوگیری از جدل‌های بیشتر میان سیاست‌گذاران تأکید دارند. ریببرگر نیز بر این مهم تأکید دارد که این ذهنیت‌های بنیادین است که در مدل ساباتیه، تشکیل ساختار و ثبات ائتلاف‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به همین شکل، آنها به‌عنوان یک فیلتر اصلی عمل می‌کنند که از طریق آن، افراد در فرآیند سیاست‌گذاری، با جهان اطرافشان تعامل دارند. (ریببرگر و دیگران، ۲۰۱۴)

### روش پژوهش

تیسن<sup>۲</sup> در فصل هشتم کتاب خود، تحلیل سیاست‌های عمومی، بیان می‌دارد که در شناخت ذهنیت کنشگران فعال، در جهت تبیین مشکل از روش‌های تحلیل گفتمانی باید بهره برد. تیسن سه روش تحلیل گفتمانی را برای این منظور پیشنهاد می‌دهد: «تجزیه و تحلیل استدلالی»، «تجزیه و تحلیل روایت» و «روش‌شناسی کیو». (تیسن و دیگران، ۲۰۱۳) در این پژوهش نیز به‌منظور دستیابی به اهداف مدنظر، از روش کیو استفاده شده است. روش کیو تکنیکی است که به‌وسیله آن، ذهنیت افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هر فردی دنیا را به‌صورت متفاوتی درک می‌نماید و برداشت منحصر به فردی از آن دارد. روش‌شناسی کیو از این نقطه‌نظرات ذهنی برای ساخت گونه‌شناسی دیدگاه‌های متفاوت

1. Milstone  
2. Thissen

استفاده می‌نماید. (استیلمن و ماگواپر، ۱۹۹۹) در واقع روش‌شناسی کیو فنی است که پژوهشگر را قادر می‌سازد تا اولاً ادراکات<sup>۱</sup> و عقاید<sup>۲</sup> فردی را شناسایی و طبقه‌بندی کند و ثانیاً به دسته‌بندی گروه‌های افراد براساس ادراکات‌شان بپردازد. (مک‌کئون و توماس<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۴)

بنابراین می‌توان گفت روش‌شناسی کیو یک روش آمیخته<sup>۴</sup> است. (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۱) ایده اصلی آن، شناخت ذهنیت‌ها، نقطه‌نظرات، عقاید و نگرش‌های افراد است. آشکار ساختن الگوهای مختلف تفکر، هدف اصلی این فن است. به عبارت دیگر این فن به شمارش تعداد افرادی که تفکرات مختلفی دارند نمی‌پردازد. این روش به روش‌های تحقیق کیفی نزدیک است. با وجود این، روش‌شناسی کیو از بعد کمی نیز برخوردار است، زیرا از روش‌های آماری مانند تحلیل عاملی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای دسته‌بندی افراد کمک می‌گیرد. در روش‌شناسی کیو، به جای متغیرها، افراد مورد تحلیل قرار می‌گیرند و این تفاوت اصلی این روش‌شناسی با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است. (اصغری صارم، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

این پژوهش با هدف اولیه شناسایی علت واگرایی در بین خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی و سپس شناسایی و دسته‌بندی ذهنیت‌های این جامعه آماری طراحی شد.

در این روش برای آشکارسازی الگوهای ذهنی، گام‌های متعددی به شرح زیر برداشته می‌شود:

۱. مطالعه تالار گفتمان<sup>۵</sup>: اولین گام پس از تعیین اهداف تحقیق، گردآوری تالار گفتمان است. تالار گفتمان دربرگیرنده آن چیزی است که در بین اعضای گروه تحت مطالعه نسبت به موضوع تحقیق در جریان است. تالار گفتمان در خصوص «مدیریت مواجهه با بدحجابی در کشور»، از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران موضوع، بررسی روزنامه‌ها، اخبار و وب‌سایت‌ها در حوزه موضوع تحقیق، نتایج پژوهش‌های علمی و دانشگاهی و گزارش‌های برخی سازمان‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و به صورت گزاره‌هایی تصویر می‌شود.

۲. انتخاب نمونه کیو: در این روش، نمونه کیو به صورت تصادفی انتخاب نمی‌شود. ابتدا

1. Perceptions
2. Opinions
3. McKeon & Thomas
4. Mixed
5. Concourse

پژوهشگر با هدف دستیابی به دیدگاه‌های مختلف، گزاره‌ها را از تالار گفتمان انتخاب می‌کند؛ گزاره‌های حاصل از مطالعه تالار گفتمان غربال می‌شوند و در نهایت به صورت گزاره‌هایی، نمونه کیو را تشکیل می‌دهند.

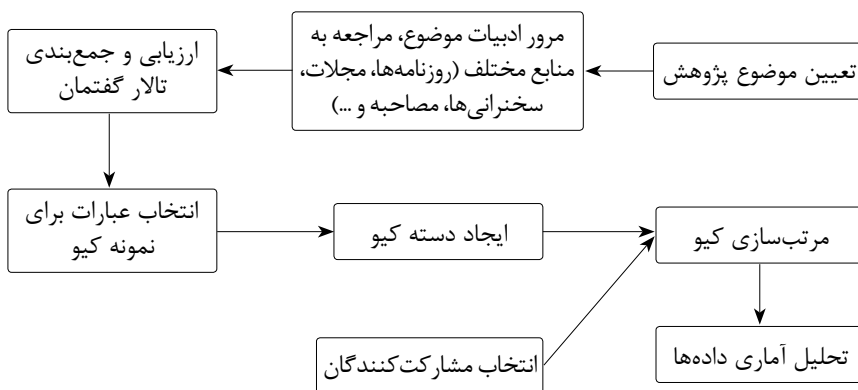
۳. انتخاب مشارکت‌کنندگان: این انتخاب برای انجام مرحله مرتب‌سازی کیو، به صورت هدفمند انجام می‌گیرد. افرادی از اهالی گفتمان برای مشارکت انتخاب می‌شوند که به دلایل تحصیلی، شغلی و تجربی دارای ارتباط خاصی با موضوع‌اند که این افراد در این پژوهش عمدتاً از میان خط‌مشی‌گذاران عرصه فرهنگ و مجریان و خط‌مشی‌گذاران عرصه عفاف و حجاب انتخاب می‌شوند.

۴. مرحله مرتب‌سازی: هر عبارت دسته کیو که به صورت تصادفی شماره‌گذاری شده است، روی یک کارت جدا نوشته می‌شود. مشارکت‌کنندگان بعد از مطالعه کارت‌ها، آنها را - مطابق دستورالعمل طبق نمودار کیو در این پژوهش - مرتب می‌کنند.

۵. تحلیل نتایج: نتایج حاصل از این مرتب‌سازی با به‌کارگیری نرم‌افزار پی.کیو متد<sup>۱</sup> یا اس.پی.اس. با روش آماری تحلیل عاملی<sup>۲</sup> بررسی می‌شود و از طریق شناخت و دسته‌بندی ذهنیت‌ها، به سؤالات اصلی و فرعی پژوهش پاسخ داده می‌شود.

(خوشگویان فرد، ۱۳۸۶ و دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۲)

در نمودار زیر نیز ترتیب گام‌های فوق را مشاهده می‌نمایید:



نمودار ۲: مراحل انجام مطالعه کیو (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ۲۵)

1. PQ Method
2. SPSS
3. Factor Analysis

برای گردآوری تالار گفتمان نیاز به تعیین جامعه آماری است؛ در این پژوهش، این جامعه از قبل به صورت هدفمند انتخاب شده است؛ یعنی «خطمشی گذاران و مجریان کشور در عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی» که از افراد «ستادی» و سطح «مدیریت عالی» هستند. همان گونه که در مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی موسوم به «آئین نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» ذکر شده و همچنین جلسات هماهنگی که در وزارت کشور - به عنوان متولی اجرایی این آئین نامه - بین دستگاهها برگزار می گردد، بازیگران عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی به صورت همزمان هم شامل خطمشی گذاران است و هم مجریان؛ لذا در این پژوهش به هر دو سطح مراجعه شده است.

در روش کیو ابزارهای مختلفی مانند کتاب، مقاله، سایت های خبری، فیلم، عکس، سخنرانی و مصاحبه و... برای گردآوری اطلاعات تالار گفتمان وجود دارد، اما در این پژوهش فقط از اینترنت (سایت های خبری اینترنتی) استفاده گردید. همچنین از میان منابع قابل استفاده از اقدامات مسئولان خطمشی گذار و مجری همچون افعال و عملکردها، گفتار و تقریر برای گردآوری «تالار گفتمان»، فقط از «گفتار» افراد استفاده شد.

در مطالعه کیو معمولاً پژوهشگر، نمونه افراد را از میان کسانی انتخاب می کند که یا ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه ای هستند. برای جستجو در سایت های خبری اینترنتی، ابتدا نام خطمشی گذاران و مجریان مربوطه براساس معیار پیش گفته - ارتباط خاص با موضوع تحقیق یا عقاید ویژه داشتن - به همراه واژه های «حجاب» و «بدحجابی» در موتور جستجوی گوگل<sup>۱</sup> تایپ شد و اخبار مربوط به هر مسئول بسته به میزان اهمیت مسئول مربوطه - میزان ارتباط بیشتر با عرصه عفاف و حجاب یا نفوذ بیشتر سیاستی یا اجرایی در سطح سازمان متبوع - از ۵ تا ۱۰ صفحه مورد جستجو قرار گرفت. اخبار مرتبط کپی گردید و در نرم افزار وان نوت<sup>۲</sup> ذخیره شد بدین نحو که به هر فرد، یک صفحه اختصاص داده شد؛ به طور مثال سردار احمدی مقدم فرماندهی ناجا دارای یک صفحه هستند که این صفحه شامل ۴۲ خبر است. جدول زیر نشان دهنده تعداد اطلاعات گردآوری شده در نرم افزار وان نوت به عنوان بانک اطلاعاتی پشتیبان این پژوهش است:

1. Google  
2. Microsoft Office OneNote

جدول ۱: مشخصات اطلاعات گردآوری شده در نرم‌افزار وان‌نوت

عنوان داده	تعداد	توضیحات
صفحه	۳۶	گویای دستگاه‌های خطمشی‌گذار و مجری، نامزدهای ریاست جمهوری و... <sup>۱</sup>
زیرصفحه	۱۹۶	گویای افراد خطمشی‌گذار و مجری
محتوا	۱۳۲۸	گویای خبرها و اظهارنظرهای افراد خطمشی‌گذار و مجری

پس از تکمیل «تالار گفتمان»، با استفاده از اخبار گردآوری شده، عبارات نمونه کیو استخراج گردید؛ در این مرحله تک اخبار خوانده شد و عباراتی که به نحو شایسته‌ای می‌توانست نظرات مختلف مشارکت‌کنندگان را برانگیزاند، در نرم‌افزار اکسل<sup>۲</sup> وارد گردید. در روند مطالعات اخبار، عبارات قبلی معمولاً تکمیل یا اصلاح می‌شد.

در این مرحله از ۱۳۲۸ خبری که مطالعه شد، ۷۵۰ عبارت به‌عنوان خروجی این مرحله استخراج شد.

در مرحله انتخاب عبارات نمونه کیو، ابتدا ۲۵۰ عبارت برگزیده حاصل شد و در مرحله بعد از میان این تعداد، نهایتاً ۴۰ عبارت انتخاب شد. ملاک انتخاب عبارات برگزیده، «چالش برانگیز بودن» عبارات و «میزان تأکید»ی بود که از سوی سیاست‌گذاران و مجریان این عرصه بر آن عبارت شده بود. در این مرحله سعی شد ۴۰ عبارت منتخب، واقعاً نماینده «تالار گفتمان» باشند.

در مرحله ایجاد دسته کیو، هر کدام از عبارات کیو بر روی یک کارت کیو نوشته شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان، همان‌گونه که دانایی فرد و همکاری‌اش گفته‌اند با طرح سؤالات

۱. این ۳۶ مجموعه به قرار زیر است:

۱. رهبری، ۲. سازمان بسیج مستضعفین، ۳. ناجا، ۴. ستاد اقامه نماز، ۵. ائمه جمعه، ۶. مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۷. مجلس خبرگان رهبری، ۸. سازمان اوقاف و امور خیریه، ۹. حوزه‌های علمیه، ۱۰. قوه مجریه (نهاد ریاست جمهوری)، ۱۱. معاونت راهبردی و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، ۱۲. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳. قوه مقننه، ۱۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۵. مراجع تقلید و نهادهای مرجع دینی، ۱۶. نامزدهای ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، ۱۷. ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ۱۸. قوه قضائیه، ۱۹. سازمان صدا و سیما، ۲۰. سازمان تبلیغات اسلامی، ۲۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۲. وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۲۳. وزارت آموزش و پرورش، ۲۴. وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۲۵. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۶. وزارت ارتباطات، ۲۷. وزارت بهداشت، ۲۸. وزارت امور خارجه، ۲۹. وزارت کار و امور اجتماعی، ۳۰. وزارت کشور، ۳۱. وزارت راه، مسکن و شهرسازی، ۳۲. وزارت ورزش و جوانان، ۳۳. سازمان میراث فرهنگی، ۳۴. سازمان بهزیستی، ۳۵. شهرداری‌ها و شوراهای شهر، ۳۶. سایر اخبار پراکنده مفید.

زیر انجام گرفت: «آیا همه آنها اطلاعات لازم برای پاسخگویی به پرسش پژوهش را دارند؟ آیا دیدگاه‌های آنها درخور توجه است؟ پس از شناسایی دیدگاه این افراد، آیا می‌توان پیشنهادهایی درباره خط‌مشی‌های حجاب و عفاف ارائه کرد؟» (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۰) بر این اساس سعی شد افراد مشارکت‌کننده از مرتبط‌ترین افراد در هر دستگاه یا نهاد به عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی باشند. لذا ابتدا به افراد معرفی‌شده از سوی هر دستگاه برای شرکت در جلسات ستاد عفاف و حجاب وزارت کشور مراجعه شد.

در خصوص تعداد «مشارکت‌کنندگان»، از آنجا که روش‌شناسی کیو ماهیت استقرایی ندارد و نیز به دنبال کشف و شناسایی دیدگاه‌های افراد و تفسیر و مقایسه آنها است برخلاف اغلب پژوهش‌های آماری - که با افزایش تعداد مشارکت‌کنندگان، نتایج معتبرتر شده و امکان تعمیم آنها به کل جامعه بیشتر می‌شود - این کار با تعداد کمی از افراد نیز قابل انجام است؛ حتی طراحی پژوهش‌هایی با تنها یک مشارکت‌کننده نیز امکان‌پذیر است. البته در برخی منابع پیشنهاد شده است که تعداد مشارکت‌کنندگان باید حداکثر نصف تعداد نمونه کیو باشد مثلاً اگر در این پژوهش نمونه کیو ۴۰ عدد است باید تعداد مشارکت‌کنندگان ۲۰ نفر باشد ولی با بررسی سایر پژوهش‌های انجام‌شده مشاهده گردید که آنها این پیشنهاد را به کار نبسته‌اند؛ پس معیار قطعی برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان وجود ندارد. (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۲) لذا در این پژوهش در نتیجه مشورت با افراد صاحب‌نظر در روش‌شناسی کیو، تعداد مشارکت‌کننده مناسب برای حصول هر چه بیشتر به هدف این پژوهش، ۳۰ نفر از مسئولان سیاست‌گذار و مجری در عرصه حجاب و عفاف در نظر گرفته شدند. علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته و تماس با حدود ۱۵۰ نفر از مسئولان شناسایی شده، با ۲۶ نفر از آنان، جلسه مصاحبه و مرتب‌سازی ترتیب داده شد. با توضیحات پیش‌گفته، باید ذکر کرد که اگر مراجعه به ۳۰ نفر مهیا می‌شد نتیجه بهتری به دست می‌آمد و اکنون که مهیا نشده است، این تعداد خللی در نتیجه پژوهش ایجاد نمی‌کند. از این ۲۶ نفر، ۱۷ نفر آنها از دستگاه‌های مجری، ۷ نفر از دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار و ۲ نفر نیز از دستگاه‌هایی بودند که به صورت توأمان هم خط‌مشی‌گذار بودند و هم مجری. باید اشاره داشت که در صحنه واقعی، «عرصه خط‌مشی» یک طیف را شامل می‌شود از صدر تا ذیل؛ یعنی از نهادهای خط‌مشی‌گذار تا نهادهای مجری و نمی‌توان مرزی پررنگ بین سطح خط‌مشی‌گذاری و سطح اجرا کشید. همچنین باید توجه داشت که در جلسات هماهنگی دستگاه‌ها در مقوله عفاف و حجاب، معمولاً به دلیل



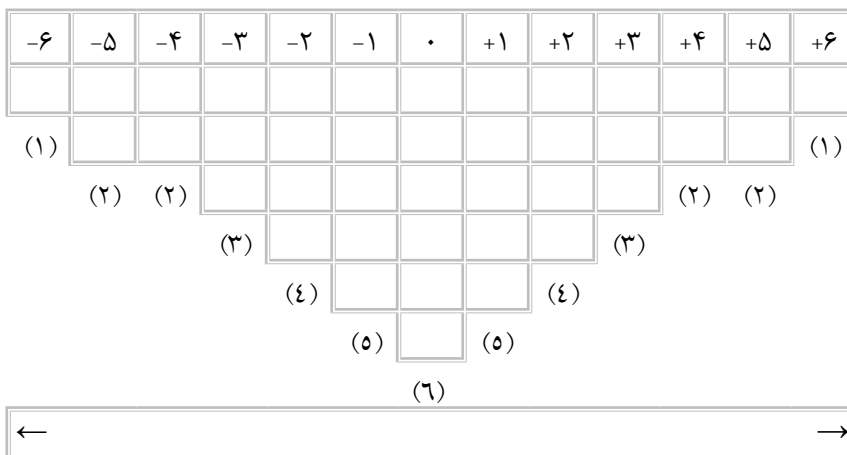
در هم‌تنیدگی میان این سطوح، دستگاه‌های مجری و سیاست‌گذار در کنار یکدیگر قرار دارند و ایفای نقش می‌کنند. در جدول ۲ مشخصات افراد مشارکت‌کننده از حیث نهاد متبوع، جنسیت، رده مسئولیتی و تحصیلات آمده است.

جدول ۲: اطلاعات مربوط به مشارکت‌کنندگان

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، کمیسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی، ستاد صیانت از امنیت عمومی و حقوق شهروندان وزارت کشور، سازمان صدا و سیما، بسیج جامعه زنان سازمان بسیج مستضعفین، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و نیروی انتظامی	نهاد مربوطه
۱۸ نفر مرد و ۸ نفر زن	جنسیت
نماینده مجلس شورای اسلامی، مدیر عالی، معاون یا قائم مقام یا مشاور مدیر عالی و یا دبیر ستاد عقاف و حجاب در نهادهای مذکور	رده مسئولیتی
کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و خارج فقه حوزوی	سطح تحصیلات

۲۳

در مرحله مرتب‌سازی عبارات کیوی، با نمودار کیوی<sup>۱</sup> مواجه می‌شویم؛ نمودار بزرگی که در اختیار فرد قرار می‌گیرد تا ترتیب دلخواه خود را با قرار دادن کارت‌ها بر روی آن مشخص کند. در زیر، نمودار کیوی استفاده شده در این پژوهش را مشاهده می‌نمایید.



نمودار ۳: نمودار کیوی استفاده‌شده در این پژوهش

همان‌طور که در نمودار ۳ دیده می‌شود برای انجام این پژوهش از نمودار کیو با توزیع شبه نرمال استفاده شد. نمودار فوق حاوی ۴۰ خانه می‌باشد که برای قرار دادن ۴۰ عبارت کیو توسط مشارکت‌کنندگان از درجه ۶- که به معنای مخالفت کامل با عبارت مورد نظر است تا ۶+ که به معنای موافقت کامل با عبارت کیو مدنظر است، تعبیه شده است. پس از آنکه مشارکت‌کننده مرتب‌سازی را انجام می‌دهد، پژوهشگر ضمن ثبت نتایج، از مشارکت‌کننده، مصاحبه تکمیلی را به عمل می‌آورد و در مورد علت نوع چیدمان و ترتیب برخی عبارات کیو در نمودار کیو، سؤالاتی را به عمل می‌آورد که این اطلاعات در مرحله تفسیر ذهنیت‌ها بسیار مفید خواهد بود.

همچنین برای سنجش پایایی پژوهش نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که آلفای کرونباخ ۰.۹۵٪ بود که بیانگر قابلیت اعتماد بالای عبارات نمونه کیو و نتایج مرتب‌سازی آنها در نمودار کیو است.

در مرحله تحلیل آماری داده‌ها، به منظور شناسایی ذهنیت‌های مشابه بین مشارکت‌کنندگان، از ابزار آماری «تحلیل عاملی کیو» که اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است، استفاده می‌شود. مبنای این روش، همبستگی میان «افراد» است. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶، ۶۸-۶۷)

### تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

جهت انجام تحلیل عاملی از ماتریس همبستگی که روشی مرسوم و معمول است، استفاده شد. عامل‌ها به روش واریماکس<sup>۱</sup> که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. اعداد استخراج‌شده از تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی<sup>۲</sup> می‌باشند. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۹۱ و دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۸)

نتایج در جدول «کل واریانس تبیین‌شده»<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که نرم‌افزار با توجه به دیدگاه افراد نمونه، جمعاً ۵ عامل را (که مقادیر ویژه آنها بالای ۱ می‌باشند) شناسایی و این ۵ عامل در حدود ۷۰/۰۹۶٪ واریانس را تبیین و پوشش می‌نماید. در این جدول، بیشترین واریانس تبیین‌شده مربوط به عامل اول (۱۷/۳۷۲) و دوم (۱۷/۰۴۷) بوده و بعد از آنها به ترتیب هر یک از عامل‌های سوم، چهارم و پنجم با مقادیر (۱۴/۱۸۲)، (۱۲/۱۶۸)،

1. Varimax

2. Principal Component

۳. در پیوست مقاله آمده است.

(۹/۳۲۷) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

باید دید که کدام‌یک از مشارکت‌کنندگان باعث ایجاد هر یک از عامل‌ها یا الگوهای ذهنی شده‌اند. به عبارت دیگر نمایندگان الگوهای ذهنی ۱ تا ۵ کدام‌یک از مشارکت‌کنندگان هستند؟

برای پاسخ به سؤال فوق از جدول «ماتریس چرخش یافته»<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. همان‌طور که در این جدول مشخص است مشارکت‌کنندگان P01، P14، P19، P20، P04، P05، P21، و P23 مشترکاً گونه ذهنی اول (عامل اول) را شناسایی کرده‌اند. شایان ذکر است همان‌طور که براساس جدول «کل واریانس تبیین شده» است، این گونه ذهنی با اختصاص دادن امتیاز (۱۷/۳۷۲)، به خود بیشترین مقدار واریانس را توضیح می‌دهد. به همین ترتیب مشارکت‌کنندگان P06، P12، P07، P25، و P11 مشترکاً گونه ذهنی دوم، مشارکت‌کنندگان P15، P08، P22، P26، P13، و P03 مشترکاً گونه ذهنی سوم، مشارکت‌کنندگان P17، P10، P02، و P09 مشترکاً گونه ذهنی چهارم و مشارکت‌کنندگان P16، P18، و P24 مشترکاً گونه ذهنی پنجم را شناسایی کرده‌اند.

در مرحله تفسیر ذهنیت‌ها، از روش «تنظیم برگه یادداشت» (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۴۱) استفاده گردید و آن با روش «عبارات متمایزکننده» (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۲) تکمیل شد. مزیت این روش‌ها در تأکید بر لزوم نگاه کل‌نگرانه در تفسیر نتایج است. استیفنسون به‌عنوان مبدع روش‌شناسی کیو نیز از ابتدای راه بر جنبه‌های کلی‌نگرانه روش‌شناسی کیو تأکید می‌کرد.

در روش «تنظیم برگه یادداشت»، علاوه بر عبارات واقع در سرطیف‌های «مخالف» و «موافق» هر گونه ذهنیتی، باید به عباراتی که در هر گونه ذهنیتی از دیگر گونه‌های ذهنیتی «بیشتر» یا «کمتر» است نیز توجه داشت. پس نکته مهم این است که پژوهشگر باید به‌خوبی بتواند از یک گزینه به کل آرایه عاملی و برعکس نوسان کند.

در روش «عبارات متمایزکننده» نیز با توجه به محل هر یک از عبارات کیو در هر یک از گونه‌های ذهنیتی و همچنین به‌کمک اطلاعات حاصل از اعمال روش «تنظیم برگه یادداشت»، عبارات کیو به «متمایزکننده»، «تا حدی متمایزکننده»، «تا حد زیادی متمایزکننده»، «تا حدی توافقی» و «توافقی» دسته‌بندی گردید.

شایان ذکر است که این الگوهای ذهنی براساس گزاره‌هایی که نقش مرکزی در

۱. در پیوست مقاله آمده است.

معنابخشی به سایر گزاره‌ها دارند نام‌گذاری و تفسیر شده‌اند.

تفسیر این پنج‌گونه ذهنیتی به شرح زیر است:

### گونه ذهنیتی اول: اجراگرایان

اجراگرایان معتقدند که عفاف و حجاب اولویت اصلی فرهنگ عمومی کشور است (۳۶: ۴+) و معتقدند که باید در مواجهه با بدحجابی، حدود شرع - و نه عرف - را در نظر گرفت (۳۰: ۵-); از این رو با اختیاری شدن حجاب و اینکه با این کار کلیت عفاف و حجاب ارتقاء یابد به شدت مخالف‌اند (۱۲: ۴-). این افراد، علت اصلی وضع موجود را نداشتن سیاست مشخص و پایدار نمی‌دانند (۲۶: ۵-) بلکه مشکل و مسئله را در نحوه اجرای سیاست‌ها می‌دانند و از طریق ایجاد یک نهاد متمرکز (۱۱: ۶+) و تعیین یک مدیریت و رهبری واحد که در صورت وجود اختلاف میان نهادهای مختلف دخیل در مواجهه با بدحجابی، رأی‌ش فصل‌الخطاب باشد، می‌خواهند تا این مشکلات اجرایی را بهبود ببخشند (۳: ۵+) این گروه بیش از سایرین با اولویت زمانی اقدامات سلبی بر ایجابی، موافق‌اند (۷: ۱+) اما در عین حال به شدت موافق تفاوت قائل شدن بین برخورد با بدحجابی از روی عمد و بدحجابی از روی غفلت هستند (۱۶: ۴+) و به همین دلیل، به شدت و بیش از دیگران عقیده دارند که نهادهای انتظامی در مواجهه با بدحجابی تحت امر یک نهاد فرهنگی عمل کند (۶: ۵+). این افراد به شدت مخالف این هستند که علت اصلی وضع موجود بدحجابی در کشور، کم‌کاری و ضعف روحانیت و حوزه‌های علمیه است (۲۴: ۶-). آنها بیش از دیگران اولویت مواجهه با بدحجابی را تلاش برای بهبود وضعیت حجاب در سازمان‌های رسمی و تحت امر دولت می‌دانند (۱۹: ۲+) و به همین دلیل به شدت مخالف این هستند که پیگیری امر حجاب و عفاف در سازمان‌های رسمی موجب نفاق و دورویی می‌شود (۱۵: ۴-).

### پس به‌طور خلاصه:

دغدغه اصلی اجراگرایان، اجرای سیاست‌هاست نه نداشتن سیاست بلکه معتقدند سیاست داریم؛ به همین دلیل، آنها به‌عنوان راه‌حل، ایجاد یک نهاد متمرکز مسئول در امر عفاف

۱. رقم ۳۶ گویای شماره عبارت کیو - که در پیوست آمده - و ۴+ نشانگر میزان موافقتی (یا در صورت منفی بودن، نشانگر میزان مخالفتی) است که از سوی گونه ذهنیتی مدنظر نسبت به عبارت کیوی شماره ۳۶ (حجاب و عفاف اولویت اصلی فرهنگ عمومی کشور است) ابراز شده است؛ یعنی این گونه ذهنیتی، با عبارت کیوی شماره ۳۶ موافق است و موافقت آن به اندازه‌ای است که آن را در ستون چهارم موافقت‌ها قرار داده است.

و حجاب و تعیین یک مدیریت و رهبری واحد را که در صورت اختلاف نظر دستگاه‌ها، رأیش فصل‌الخطاب باشد، پیشنهاد داده‌اند. آنها علاقمندند که از هر ابزار خط‌مشی برای ارتقای فرهنگ عفاف و حجاب استفاده کنند؛ به عبارتی از یک جامعیت در دیدگاه‌های شان - نسبت به گونه‌های ذهنیتی دیگر- برخوردارند.

### گونه ذهنیتی دوم: خط‌مشی‌گرایان

خط‌مشی‌گرایان شدیداً معتقد به رعایت عفاف و حجاب در جامعه اسلامی و وظیفه‌مندی حکومت اسلامی در این زمینه هستند (۱۰: ۵-) (۳۶: ۴+) (۱۲: ۵-) (۱۵: ۴-)؛ این افراد وضع موجود بدحجابی در کشور را ناشی از عدم داشتن سیاست مشخص و پایدار در مدیریت مواجهه با بدحجابی می‌دانند (۲۶: ۶+) از این‌رو شدیداً و بیش از دیگر ذهنیت‌ها موافق تعیین یک رهبری و مدیریت واحد در امر مدیریت مواجهه با بدحجابی هستند که در صورت اختلاف نهادهای دخیل، رأیش فصل‌الخطاب باشد (۳: ۵+). خط‌مشی‌گرایان از عملکرد نهادها و مسئولان نهادهای فرهنگی ناراضی‌اند و معتقدند کسانی که شعار کار فرهنگی یا بلندمدت می‌دهند در واقع از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند (۳۲: ۵+) (۴۰: ۱+). این افراد بیشتر روحیات عملیاتی دارند (۲۰: ۲+) و به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل مخالفت‌شان با مسئولان نهادهای فرهنگی، به‌دلیل داشتن همین روحیه باشد. آنها معتقدند دولت اسلامی فقط وظیفه زمینه‌سازی ندارد بلکه وظیفه عملیاتی نیز دارد (۳۴: ۴-) و وظیفه عملیاتی را صرفاً بر عهده زبندگان حوزه و دانشگاه نمی‌دانند (۳۴: ۴-). خط‌مشی‌گرایان، به‌شدت به عملکرد روحانیت و حوزه در مواجهه با بدحجابی منتقدند و یکی از علل اصلی وضع موجود بدحجابی در جامعه را ضعف آنان می‌دانند (۲۴: ۴+). این افراد به نقش منحصربه‌فرد (۶: ۲-) و ضروری (۲۷: ۶-) (۷: ۱+) نیروی انتظامی اعتقاد دارند اما در عین حال با کمتر رسانه‌ای شدن فعالیت‌های سلبی موافق‌اند (۵: ۳+). آنها از دو گروه ناراضی‌اند: نخست سیاست‌گذاران به‌دلیل اینکه سیاست مشخص و پایداری را تدوین و تصویب نمی‌کنند و در وهله دوم مجریان - خصوصاً مسئولان نهادهای فرهنگی - به‌دلیل ضعف عملکردشان.

### پس به‌طور خلاصه:

خط‌مشی‌گرایان معتقدند که سیاست مشخص و پایداری در رابطه با عفاف و حجاب وجود ندارد؛ به همین دلیل پیشنهاد تعیین یک مدیریت و رهبری واحد را می‌دهند که برای اختلاف‌نظرها، رأیش فصل‌الخطاب باشد. آنها از دو گروه ناراضی‌اند: نخست سیاست‌گذاران

به‌دلیل اینکه سیاست مشخص و پایداری را تدوین و تصویب نمی‌کنند و در وهله دوم مجریان - خصوصاً مسئولان نهادهای فرهنگی - به‌دلیل ضعف عملکردشان.

### گونه ذهنیتی سوم: نگرش‌گرایان

نگرش‌گرایان بر تفاوت مواجهه با بدحجابی از روی عمد و بدحجابی از روی غفلت تأکید خاصی دارند (۱۶ : ۶+) چرا که معتقدند هنوز رعایت حجاب برای مردم به‌صورت «معروف» و «قانونی» و یا عکس آن عدم رعایت حجاب به‌صورت یک امر «منکر» و «غیرقانونی» در نیامده است (۳۳ : ۵-) پس بر این باورند که برخورد با کسانی که از روی غفلت اقدام به بدحجابی می‌کنند مفسده‌انگیز و موجب دامن زدن بیشتر به بدحجابی می‌شود (۸ : ۴+). آنها در مواجهه با بدحجابی بر لزوم توجه مسئولان به «علت‌ها» تأکید دارند تا «معلول‌ها» (۳۹ : ۵+) و بنابراین اقداماتی را تأیید می‌کنند که بلندمدت و مداوم باشد (۱ : ۵+) (۲۰ : ۳- : ۳۲ : ۴-). آنها با ایجاد یک نهاد متمرکز مسئول در امر حجاب و عفاف و مواجهه با بدحجابی، به‌شدت و بیش از سایر ذهنیت‌ها مخالفانند (۱۱ : ۵-). آنها برای جلوگیری از اعمال سلیقه در مواجهه با بدحجابی، تأکید بر مشخص شدن معیارها و مصادیق حجاب و بدحجابی به‌صورت دقیق، یک‌دست و شفاف در قوانین و مقررات دارند (۱۸ : ۴+). نگرش‌گرایان بر تغییر بینش مجریان و خط‌مشی‌گذاران نسبت به پدیده بدحجابی و لزوم توجه به نیت و انگیزه‌های افراد بدحجاب و علل بدحجابی تأکید دارند.

پس به‌طور خلاصه:

دغدغه اصلی نگرش‌گرایان تغییر در نگرش مسئولان است؛ می‌گویند لازم است بین برخورد با «بدحجابی از روی غفلت» و «بدحجابی از روی عمد» تفاوت قائل شد. آنها معتقدند که اگر این امر اصلاح نشود نه تدوین و تصویب سیاست و نه اجرای سیاست‌ها هیچ‌کدام نمی‌تواند به حل مشکل کمکی کند بلکه گاهی باعث بدتر شدن بدحجابی نیز می‌شود.

### گونه ذهنیتی چهارم: عامه‌گرایان

عامه‌گرایان بر مشارکت عموم مردم در قالب تذکر لسانی توسط مردم به‌عنوان کارآمدترین راه برای مواجهه با بدحجابی، تأکید خاصی دارند (۲ : ۶+). پس بیش از سایر ذهنیت‌ها معتقدند که مردم رعایت حجاب را معروف و قانونی و عدم رعایت آن را غیرقانونی و منکر می‌دانند (۳۳ : ۲+) و کمتر از دیگران احساس نیاز به تعریف و تعیین بدحجابی در

نظام قانونی و رسمی کشور می‌کنند (۱۴ : ۳-). آنها معتقدند که در کشور، در مواجهه با بدحجابی سیاست مشخص و پایدار داریم (۲۶ : ۶-). بنابراین نیازی به داشتن مدیریت و رهبری واحد که رأیش فصل‌الخطاب باشد نیست (۳ : ۵-); آنها به شدت مخالفاند با اینکه هیچ کاری در کشور در مواجهه با بدحجابی انجام نشده است (۳۷ : ۵-). عامه‌گرایان با اینکه حکومت مسئولیتی در زمینه حجاب و عفاف ندارد (۱۰ : ۴-), به شدت مخالفاند ولی تأکید بیشترشان بر مشارکت عمومی و نهادهای مردمی است تا دستگاه‌های حکومتی (۲۸ : ۳-)(۱۱ : ۲-). بنابراین به شدت و بیش از سایر ذهنیت‌ها موافق سرمایه‌گذاری اصلی در امر حجاب و عفاف در سه نهاد خانواده، مدرسه و مسجد هستند (۱۳ : ۵+) و در این راستا یکی از علل اصلی وضع موجود بدحجابی را ضعف روحانیت و حوزه‌های علمیه به‌عنوان یکی از «زمینه‌سازان مشارکت عمومی در قالب تذکر لسانی» می‌دانند (۲۴ : ۴+). آنها همچنین در مواجهه با بدحجابی، توجه به عفاف را مهم‌تر از توجه به حجاب می‌دانند (۲۵ : ۵+) و معتقدند که در مدت کمی می‌توان وضع موجود را تغییر داد (۲۰ : ۴+).

پس به‌طور خلاصه:

عامه‌گرایان مشکل را در نبود خط‌مشی و نبود نهادهای مربوطه و روال‌های جدید نمی‌دانند؛ آنها حتی مشکل را در عدم وجود یک فصل‌الخطاب هم نمی‌دانند؛ بلکه دغدغه اصلی آنها ورود همه آحاد مسئولان و مردم در عرصه فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب به‌خصوص «تذکر لسانی» است. عامه‌گرایان، تأکیدشان بیشتر بر مشارکت عمومی و نهادهای مردمی است تا دستگاه‌های حکومتی.

### گونه ذهنیتی پنجم: متحیران

متحیران بر لزوم توجه مسئولان به «علت» به‌جای توجه به «معلول» در مواجهه با بدحجابی تأکید خاصی دارند (۳۹ : ۶+); به همین دلیل با سرمایه‌گذاری بر سه نهاد خانواده، مدرسه و مسجد به‌عنوان علل اصلی رعایت حجاب یا عدم آن بیش از سایر ذهنیت‌ها و بسیار موافقاند (۱۳ : ۵+). همچنین با برنامه‌ریزی برای طراحی لباس‌های متحدالشکل و معتدل - در کنار چادر و البته با رعایت حدود حجاب و عفاف شرعی - به‌عنوان یکی دیگر از علل اصلی حجاب و عفاف، بیش از دیگران و شدیداً موافقت دارند (۳۸ : ۵+). این عده معتقدند در کشور سیاست مشخصی در زمینه مدیریت مواجهه با بدحجابی وجود ندارد (۲۶ : ۴+) به همین دلیل شدیداً با ایجاد یک نهاد متمرکز مسئول در عرصه عفاف و حجاب

(۱۱: ۴+) ذیل نهاد رهبری (مصاحبه با فرد شماره ۱۶) به‌عنوان یک فرماندهی واحد که شأنیت و اختیارات اجرایی و سیاست‌گذاری لازم را داشته باشد (مصاحبه با فرد شماره ۱۶)، موافق‌اند. آنها با اینکه حجاب و عفاف اولویت اصلی فرهنگ عمومی کشور است، شدیداً مخالف‌اند (۳۶: ۵-) و آن را یکی از اولویت‌های اصلی کشور می‌دانند (مصاحبه با فرد شماره ۱۶ و فرد شماره ۱۸). این گروه نیروی انتظامی را در مواجهه با بدحجابی دارای نقشی کلیدی در مرحله سلبی می‌دانند (۲۷: ۵) و معتقدند که اقدامات سلبی بهتر است رسانه‌ای شود (۵: ۴-) زیرا بدین طریق هم پاسخگویی مسئولان انتظامی در مورد اقدامات‌شان بالاتر می‌رود و هم اثربخشی کمی اقدامات افزایش پیدا می‌کند (مصاحبه با فرد شماره ۱۶). این دسته شدیداً مخالف‌اند با اینکه هیچ کاری در مواجهه با بدحجابی صورت نگرفته است (۳۷: ۶-). متحیران با اینکه باید در برخورد با «بدحجابی از روی عمد» و «بدحجابی از روی غفلت» تفاوت قائل شد (۱۶: ۴-) مخالف‌اند چرا که معتقدند این تفاوت قائل شدن در «عمل»، غیرممکن است؛ هر چند در نظر صحیح و قابل تأیید است (مصاحبه با فرد شماره ۱۶ و فرد شماره ۲۴).

#### پس به‌طور خلاصه:

متحیران پیرامون مسائل مختلف، نظرات مختلفی دارند که برخلاف گونه‌های ذهنیتی قبلی، نمی‌توان بین آنها اشتراک و حلقه وصلی مبتنی بر یک مبنای فکری واحد دید. لذا همان‌گونه که از نام این‌گونه ذهنیتی - متحیران - پیداست، آنها از هر دری سخن گفته‌اند و حرف‌های خوب زیادی را از جاهای مختلف جمع‌آوری کرده‌اند و در توصیف یا تجویز، مواردی را بیان می‌کنند اما به‌نظر می‌رسد هنوز خودشان به نتیجه نرسیده‌اند که برای اصلاح وضع موجود مدیریت مواجهه با بدحجابی چه باید کرد؟! گویا متحیران مبنایی قوی در زمینه خط‌مشی‌گذاری و اجرا در حوزه مدیریت مواجهه با بدحجابی ندارند.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش که با هدف اولیه بررسی علل عدم تحقق خط‌مشی‌های عفاف و حجاب آغاز شد، طی بررسی‌های مقدماتی مشخص گردید که یکی از عوامل اصلی مانع تحقق خط‌مشی‌های این عرصه، وجود اختلاف‌نظر در خط‌مشی‌گذاران و مجریان عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی است. یکی از علل این اختلاف‌نظر ناشی از ذهنیت‌های مختلف مسئولان مربوطه بود؛ لذا روش‌شناسی کیو که روش خاص شناسایی و دسته‌بندی



ذهنیت‌های افراد است، انتخاب شد. پس از گردآوری ۱۳۲۸ خبر از گفتارهای مجریان و خط‌مشی‌گذاران عرصه مدیریت مواجهه با بدحجابی - به‌عنوان «تالار گفتمان» و مطالعه دقیق آنها، یک «دسته کیو» شامل ۴۰ عدد «عبارت کیو» که نماینده این «تالار گفتمان» بود، حاصل شد. عبارات کیو برای «مرتب‌سازی» به نزد ۲۶ نفر از مسئولان خط‌مشی‌گذار و مجری این عرصه برده شد و با انجام «تحلیل عاملی کیو» روی نتایج «مرتب‌سازی کیو»، پنج گونه ذهنیتی به‌دست آمد. این پنج گونه ذهنیتی با توجه به خصوصیات‌شان، تحت عناوین «اجراگرایان»، «خط‌مشی‌گرایان»، «نگرش‌گرایان»، «عامه‌گرایان» و «متحیران» نام‌گذاری شد. در نهایت، گونه‌های ذهنیتی مذکور با استفاده از «عبارات متمایزکننده» و «عبارات توافقی» و عبارات کیوی حاصل از «تالار گفتمان» تفسیر شدند.

باید دانست که در بین فعالان خط‌مشی در هر سطحی، چه در تصمیم، چه در اجرا (که خود باز نوعی تصمیم است)، هر کس مبتنی بر ذهنیت خودش عمل می‌کند؛ و نمی‌توان همگرایی در ذهنیت‌ها را به اجبار ایجاد کرد. بنابراین در سطح فرهنگی، همگرایی و اجماع فعالان این حوزه و به تبع، گفتگوهای نظام‌مند و رفع اختلاف میان آنها می‌تواند اثرگذار باشد؛ و در سطح سیاسی، ایجاد ائتلاف بین برخی از آنها مؤثر خواهد بود. هر یک از این دو سطح راه‌حل و عملیات، نیازمند تدابیر خاص خود می‌باشد.

\* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان است که با حمایت پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها به‌انجام رسیده است.

## منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۹). حسین انصاریان. آیین دانش.
۲. اصغری صارم، علی. (۱۳۹۰). شناسایی موانع تدوین استراتژی‌های کارکردی منابع انسانی در شرکت سایپا با استفاده از روش شناسی کیو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۳. ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۷). نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری**. تهران: دیدار.
۵. باقری میاب، شهلا و محمدرضا باقری. (۱۳۹۱). الزامات همسویی نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی عفاف و حجاب. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره پنجم. شماره ۳.
۶. بی‌نام. (۱۳۸۵). **نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان. حوراء**. ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان. شماره ۲۳.
۷. حاج عبدالباقی، مریم. (۱۳۸۷). مقایسه رویکرد قرآن کریم و سیاست جمهوری اسلامی در طرح موضوع حجاب. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. حق‌شناس، سیدجعفر. (۱۳۸۷). مبانی و راه‌کارهای قرآن برای گسترش عفاف و حجاب. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. خوشگویان‌فرد، علیرضا. (۱۳۸۶). **روش شناسی کیو**. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما.
۱۰. خوشگویان‌فرد، علیرضا؛ طیبه زرگر و فرشاد تجاری. (۱۳۸۸). شناسایی نگرش بانوان ورزشکار نسبت به حجاب در ورزش به کمک روش کیو. **دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی**. سال اول. شماره اول.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدیعقوب حسینی و روزبه شیخها. (۱۳۹۲). **روش شناسی کیو: شالوده‌های نظری و چارچوب انجام پژوهش**. تهران: انتشارات صفار.
۱۲. داوری، محسن. (۱۳۸۹). **حقوق فرهنگی شهروندان**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۳. ذوالفقاری، حسین. (۱۳۸۵). موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی. **دانش انتظامی**. سال اول. شماره اول.
۱۴. رادیوی معارف صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). **برنامه رادیویی «سهم شما»**.

۱۵. رفیعی، رمضان‌علی. (۱۳۸۷). مبانی اختیارات نظام اسلامی برای جلوگیری از بدحجابی در جامعه. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. رهبر، محمدتقی. (۱۳۹۰). **ماجرای حجاب و عفاف**. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. زاهدی، عبدالرضا؛ ایوب امرایی و مریم نظریبگی. (۱۳۸۹). روش قرآن کریم در نهادهای سازی عفاف و حجاب در جامعه عصر نزول (با رویکرد ترتیب نزول). **مطالعات راهبردی زنان**. سال ۱۲. شماره ۴۹.
۱۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۳). **تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران: بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲**. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۹. شرف‌الدین، حسین. (۱۳۸۶). ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی. **فقه (کاشی نو در فقه اسلامی)**. شماره ۵۱ و ۵۲.
۲۰. شمس‌ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۸۷). بررسی موردی عملکرد نهادهای حکومتی در جلوگیری از بدحجابی. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. صدر، شادی. (۱۳۸۳). بدحجابی در قانون، فقه و رویه‌های عملی. **بازتاب اندیشه**. شماره ۴۸.
۲۲. ضیایی‌فر، سعید. (۱۳۸۷). مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. علی‌اکبریان، حسن‌علی. (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت حکومت اسلامی در ترویج حجاب. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه. (۱۳۸۷). بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی‌حجابی. در: ابراهیم شفیعی سروستانی. **حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی**. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. غلامی، علی. (۱۳۹۱). **مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۶. قلی‌پور، آریین. (۱۳۸۶). نقش دولت در نهادهای سازی حجاب. **مطالعات راهبردی زنان**. سال دهم. شماره ۳۸.
۲۷. لطفی، سجاد. (۱۳۹۲). بررسی موانع اجرایی مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب. **مدیر**. شماره ۳۹.
۲۸. **ماهنامه خبری تحلیلی حیا**. (۱۳۹۰). تهران: مرکز بین‌المللی ترویج فرهنگ عفاف و حیا. پیش‌شماره.

۲۹. مختاریان پور، مجید و اسدالله گنجعلی. (۱۳۹۰). نهادی‌سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرآیندی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال چهارم. شماره ۳.
۳۰. مرتضوی، سیدضیاء. (۱۳۸۷). درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب و مسئولیت دولت اسلامی. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۱. مشکات، سیدحمید. (۱۳۸۷). اخلاقی یا حقوقی بودن پوشش اسلامی زنان. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. مفتاح، محمدهادی. (۱۳۸۷). وظیفه حکومت اسلامی در زمینه پوشش بانوان. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۴. مقدس، نرگس‌سادات. (۱۳۸۹). بررسی فقهی حجاب به مثابه یک الزام حکومتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۵. مهدی‌زادگان، داود. (۱۳۸۶). پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب. مطالعات راهبردی زنان. سال نهم. شماره ۳۶.
۳۶. ناظریان، محمدقاسم. (۱۳۹۰). رویکرد اجتماعی و قانونی در جرم بدحجابی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳۷. ورعی، سیدجواد. (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت دولت اسلامی در زمینه حجاب بانوان. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۸. هادیان‌رسنانی، الهه. (۱۳۸۷). رابطه حجاب با حکومت و مصلحت نظام. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۹. هاشمی، سیدحسین. (۱۳۸۶). نقد سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با بدحجابی (نقد فقهی و حقوقی تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی). فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی). شماره ۵۱ و ۵۲.
۴۰. هاولت، مایکل و ام. رامش. (۱۳۸۰). مطالعه خط‌مشی عمومی. عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی. اول.
۴۱. همایون مصباح، سیدحسین. (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت دولت در ایجاد شرایط مطلوب حجاب و عفاف در جامعه. در: ابراهیم شفیعی سروسستانی. حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی.

جلد ۱: مقالات علمی و حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

42. Anderson, J. E. (2011). *Public Policymaking: An Introduction*. (7th ed.). Boston, MA: Cengage.
43. Hajer, M. (1993). Discourse Coalitions and the Institutionalization of Practice: the Case of Acid Rain in Great Britain. In Frank Fischer and John Forester. *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning*. London: UCL Press
44. Hall, P. A. (1993). Policy Paradigms, Social Learning, and the State: The Case of Economic Policymaking in Britain. *Comparative Politics*.
45. Millstone, E.; P. Van Zwanenberg; C. Marris; L. Levidow & H. Torgersen. (2004). *Science in Trade Disputes Related to Potential Risks: Comparative Case Studies*. Seville: Institute for Prospective Technological Studies.
46. Millstone, E.; P. Van Zwanenberg; L. Levidow; A. Spok; H. Hirakawa & M. Matsuo. (2008). *Risk-assessment Policies: Differences Across Jurisdictions*. Institute for Prospective Technological Studies. Seville: European Commission
47. Ripberger, J. T.; K. Gupta; C. L. Silva & H. C. Jenkins-Smith. (2014). Cultural Theory and the Measurement of Deep Core Beliefs within the Advocacy Coalition Framework. *Policy Studies Journal*. 42 (4). 509-527.
48. Sabatier, P. & H. Jenkins-Smith. (ed.) (1993). *Policy Change and Learning: An Advocacy Coalition Approach*. Boulder, CO: Westview Press.
49. Schon D. A. & M. Rein. (1994). *Frame Reflection: Towards the Resolution of Intractable Policy Controversies*. New York. Basic Books.
50. Steelman, T. A. & L.A. Maguire. (1999). Understanding Participant Perspectives: Q-Methodology in National Forest Management. *Journal of Policy Analysis and Management*. 18(3): 361-388
51. Surel, Y. (2000). The Role of Cognitive and Normative Frames in Policy-making. *Journal of European Public Policy*. 7(4). 495-512.
52. Thissen, W; A. H. Walker & E. Waren. (2013). *Public Policy Analysis*. New York: Springer.